نام و نام خانوادگی:

سری اول سوالات فارسی نهم

شعر زیر یکی از قطعه‌های زیبای پروین اعتصامی است؛ آن را بخوانید و به پرسش‌های ۱ تا ۱۰ پاسخ دهید.

«باغبانی قطره‌ای بر برگ گل
دید و گفت: این چهره جای اشک نیست»
گفت: «من خندیده‌ام تا زاده‌ام
دوش، بر خندیدنم بلبل گریست»
من همی‌خندم به رسم روزگار
کاین چه ناهمواری و ناراستی‌ست؟
خنده‌ی ما را حکایت روشن است
گریه‌ی بلبل ندانستم ز چیست؟
لحظه‌ای خوش بوده‌ایم و رفته‌ایم
آن‌که عمر جاودانی داشت کیست؟
من اگر یک‌روزه، تو صدساله‌ای
رفتنی هستیم، گر یک یا دویست
درس عبرت خوانَد از اوراق من
هر که سوی من به فکرت بنگریست
خُرّم‌ام با آن‌که خارم همسر است
آشنا شد با حوادث هر که زیست
نیست گل را فرصت بیم و امید
زان که هست امروز و دیگر روز نیست»

۱- چرا گل نباید غم و غصه‌ی دنیا را بخورد؟

۱) زیرا از ابتدای تولدش، با خار هم‌نشین است.
۲) زیرا مهلت کمی دارد و عمرش کوتاه است.
۳) زیرا دنیا ناهموار و ناراست است
۴) چون همیشه خوش است و غمی ندارد.

۲- گل، به ترتیب، علت گریه‌ی بلبل و خنده‌ی خود را چه بیان می‌کند؟

۱) خندیدن خودش و آشنایی با حوادث
۲) نادرستی روزگار و کوتاهی عمرش
۳) خندیدن خودش و رسم نادرست روزگار
۴) رسم نادرست روزگار و هم‌نشینی با خار

۳- به نظر شما، با توجه به مفهوم شعر، درسِ عبرتی که بر اوراق گل وجود دارد، چیست؟

۱) ناپایداری زندگی دنیا
۲) هم‌نشینی با خار و حوادث
۳) لحظه‌های خوش زندگی
۴) با فکر نگریستن به روزگار

۴- در کدام بیت یا بیت‌ها، آرایه‌ی تضاد وجود دارد؟

۱) بیت اوّل و بیت آخر
۲) دو بیت آخر
۳) بیت آخر
۴) بیت اوّل

۵- شاعر با نسبت دادن چه کاری، به بلبل شخصیّت انسانی بخشیده است؟

۱) خندیدن
۲) گریستن
۳) گفتن
۴) اندیشیدن

۶- کدام گزینه، به مفهوم بیت «لحظه‌ای خوش بوده‌ایم و رفته‌ایم / آن‌که عمر جاودانی داشت کیست؟» نزدیک‌تر است؟

۱) نومید بس مباش به شادی گذار عمر — شاید که عمر تو هم از آن‌گونه بگذرد — «ابن یمین»
۲) عمر به شادی چو سنایی گذار — کار به سستی و حقارت مکن — «سنایی»
۳) عمر به خوشنودی دل‌ها گذار — تا ز تو خشنود بود کردگار — «نظامی»
۴) زندگانی چه کوته و چه دراز — نه به آخر بمرد باید باز؟ — «رودکی»

۷- در مصرع دوم کدام گزینه، تعداد جمله‌ها کم‌تر است؟

۱) گفت من خندیده‌ام تا زاده‌ام / دوش، بر خندیدنم بلبل گریست
۲) خُرّم‌ام با آن‌که خارم همسر است / آشنا شد با حوادث هر که زیست
۳) لحظه‌ای خوش بوده‌ایم و رفته‌ایم / آن‌که عمر جاودانی داشت کیست؟
۴) من اگر یک‌روزه، تو صدساله‌ای / رفتنی هستیم، گر یک یا دویست

۸- گل، مقدّمه‌ی درس عبرت گرفتن را چه می‌داند؟

۱) آشنایی با حوادث ۲) غنیمت شمردن فرصت ۳) نگرش اندیشمندانه ۴) پذیرش ناپایداری عمر

۹- با توجه به شعر، تعداد جمله‌ها در بیت‌های ۱، ۳، ۴، ۹، به ترتیب در کدام گزینه درست است؟

۱) دو، سه، چهار، سه ۲) سه، دو، سه، سه ۳) سه، دو، چهار، سه ۴) سه، سه، سه، سه

۱۰- کدام گزینه، به مفهوم کلّی شعر نزدیک‌تر است؟

۱) کسی که یار وفادار و مهربان دارد / سعادت ابد و عمر جاودان دارد «امیر خسرو دهلوی»
۲) مده در بهایِ جهان، عمرِ کوته / که جز تو، جهان پُر خریدار دارد «ناصر خسرو»
۳) مگر گل غافل است از عمر کوتاه / که چونین خرّم و خوش می‌نماید؟ «جمال‌الدین اصفهانی»
۴) عمر کوته‌تر از آن است که غم باید خورد / مدّت خنده‌ی برقِ گذران این‌همه نیست «صائب»

حکایت زیر از گلستان سعدی را پیش از این در کلاس ششم خوانده‌اید؛ اکنون دوباره بخوانید و به پرسش‌های بعدی پاسخ دهید.

«دو برادر یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به سعی بازو نان خوردی، باری، توانگر گفت درویش را: «چرا خدمت نکنی تا از مشقّتِ کار کردن برهی؟» گفت: «تو چرا کار نکنی تا از مذلّتِ خدمت رهایی یابی؟» که حکما گفته‌اند: نان خود خوردن و نشستن به که کمرِ زرّین بستن و به خدمت ایستادن.»

به دست آهن تفته کردن خمیر / به از دست بر سینه پیش امیر
عمر گران‌مایه در این صرف شد / تا چه خورم صیف چه پوشم شتا
ای شکم خیره به نانی بساز / تا نکنی پشت به خدمت دوتا

۱۱- کدام گزینه، به مفهوم کلّی حکایت نزدیک‌تر است؟

۱) خدمت مخلوق کن بی‌مزد و بی‌منّت «بهار» / ای خوش آن بینا که روزی دست نابینا گرفت «بهار»
۲) با کمال احتیاج، از خلق استغنا (بی‌نیازی) خوش است / با دهان خشک مُردن بر لب دریا خوش است «صائب»
۳) هر که نان از عملِ خویش خورَد / منّتِ حاتم طایی نَبَرد «سعدی»
۴) عزّت چو در قناعت و ذلّت چو در طمَع / باید قناعت از همه کس بیشتر مرا «قاآنی»

۱۲- در عبارت «نان خود خوردن و نشستن، به که کمر زرّین بستن و به خدمت ایستادن». چند فعل (محذوف و غیرمحذوف) وجود دارد؟

۱) یکی ۲) دوتا ۳) سه‌تا ۴) چهارتا

۱۳- مفهوم کلّی حکایت، با کدام ضرب‌المثل یا کلام مشهور ارتباط کم‌تری دارد؟

۱) به گرسنگی مردن، بهتر که نان فرومایگان خوردن
۲) ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم / با پادشه بگوی که روزی مقرّر است
۳) عزّت ز قناعت است و خواری ز طمع / با عزّت خود بساز و خواری مطلب
۴) خواری بیند ز میزبان به ضیافت، / مرد که ناخوانده شد به خوانی مهمان

۱۴- کدام گزینه عبارت کنایی ندارد؟

۱) به‌دست آهن تفته کردن خمیر — به از دست بر سینه پیش امیر
۲) نان خود خوردن و نشستن، به که کمر زرّین بستن و به خدمت ایستادن.
۳) عمر گران‌مایه در این صرف شد — تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا
۴) ای شکم خیره به نانی بساز — تا نکنی پشت به خدمت دوتا

۱۵- با توجّه به حکایت، شخصِ فعلِ کدام گزینه با بقیّه متفاوت است؟

۱) عمر گران‌مایه در این صرف شد
۲) چرا خدمت نکنی تا از مشقّت کار کردن برهی؟
۳) دو برادر، یکی خدمت سلطان کردی
۴) و یکی به سعی بازو نان خوردی.

۱۶- در کلّ حکایت، چند جمله‌ی امری وجود دارد؟

۱) یک جمله ۲) دو جمله ۳) سه جمله ۴) چهار جمله

۱۷- رابطه‌ی کلمه‌های کدام گزینه، با بقّیه تفاوت دارد؟

۱) توانگر و درویش ۲) مشقّت و مذلّت ۳) نشستن و ایستادن ۴) صیف و شتا

۱۸- کدام‌یک از گزینه‌های زیر که همه از انگلستان هستند، از مفهوم حکایت دورتر است؟

۱) به نان خشک قناعت کنیم و جامه‌ی دلق — که بار مِحنت خود به که بارِ منّت خلق
۲) اگر حنظل خوری از دست خوش‌خوی — به از شیرینی از دست تُرُش‌روی
۳) هر چه از دونان (افراد پست) به منّت خواستی — در تن افزوی و از جان کاستی
۴) نانم افزود و آبرویم کاست — بی‌نوایی به از مذلّتِ خواست

۱۹- نوع کدام ترکیب (اضافی یا وصفی) با بقّیه متفاوت است؟

۱) مشقَتِ کار کردن ۲) مذلّتِ خدمت ۳) سعیِ بازو ۴) شکمِ خیره

۲۰- در کدام گزینه، نقش دستوری کلمه‌ی مشخّص شده مفعول است؟

۱) باری توانگر گفت درویش را: چرا خدمت نکنی؟
۲) نان خود خوردن و نشستن، به که کمر زرّین بستن.
۳) ای شکم خیره به نانی بساز / تا نکنی پشت به خدمت دوتا
۴) دو برادر یکی خدمت سلطان کردی و دیگری به سعی بازو نان خوردی.

۲۱- حکایت زیر از گلستان است؛ بخوانید و به چهار پرسش بعدی پاسخ دهید.

عابدی را حکایت کنند که شبی دَه من طعام بخوردی و تا سحر ختمی بکردی. صاحب‌دلی بشنید و گفت : «اگر نیم‌نانی بخوردی و بخفتی، بسیار از این فاضل‌تر بودی.»

اندرون از طعام خالی دار — تا در او نورِ معرفت بینی
تهی از حکمتی به علّت آن — که پُری از طعام تا بینی

۲۲- کدام گزینه، با مفهوم حکایت ارتباط بیشتری دارد؟

۱) خوردن برای زیستن و ذکر کردن است — تو معتقد که زیستن از بهرِ خوردن است
۲) شکم، بندِ دست است و زنجیرِ پای — شکم بنده نادر پرستد خدای
۳) ندارند تن‌پروران آگهی — که پُر معده باشد ز حکمت تهی
۴) این شکمِ بی‌هنرِ پیچ‌پیچ — صبر ندارد که بسازد به هیچ

۲۳- کدام‌یک از گزینه‌ها نقش مسند ندارد؟

۱) فاضل‌تر ۲) تهی ۳) پُر ٤) نور

۲٤- در بیتِ «تهی از حکمتی به علّت آن / که پُری از طعام تا بینی»، کدام آرایه‌های ادبی دیده می‌شود؟

۱) مبالغه و تضاد ۲) تشبیه و تضاد ۳) تضاد و مراعات‌نظیر ٤) مراعات‌نظیر و مبالغه

۲۵- با توجه به متن حکایت، نقش دستوری کدام گزینه متفاوت است؟

۱) عابدی ۲) نیم‌نانی ۳) اندرون ٤) دَه مَن طعام

خانه ریاضیات غرب تهران